

## بسم الله الرحمن الرحيم

### نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۳ تیر ۱۳۹۷

#### حدیث مورد بحث

"أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَهٖ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ... شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ"

#### مورد خطاب قرار گرفتن همه‌ی مردم در خطبه شریفه

در این خطبه‌ی شریف منقول از مقام رسالت نکات بسیاری وجود دارد. اولین نکته این است که آن بزرگوار با عبارت "أَيُّهَا النَّاسُ" همه‌ی مردم را مورد خطاب قرار داده‌اند و "أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ" نفرموده‌اند. حضرت در مقام توصیف و ذکر خصوصیات و ویژگی‌های این ماه مبارک چند جمله فرموده‌اند. یکی از جمله‌هایی که بسیار جلب توجه می‌کند جمله‌ی "جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ" است. با توجه به اول خطبه که آن بزرگوار همه‌ی مردم را مخاطب قرار داده‌اند، جمله‌ی "جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ" متعلق به همان انسان‌ها اعم از مسلمان و غیر مسلمان است. آن بزرگوار در مقام بیان ماهیت خاص این ماه مبارک، می‌فرمایند: همه‌ی انسان‌ها در این ماه مبارک در معرض رحمت حق تعالی و بزرگواری او واقع شده‌اند، اگرچه مسلمان و مومن هم نباشند.

از جمله‌های دیگر این خطبه‌ی شریفه می‌توان دریافت که حق تعالی به همه‌ی مخلوقات و بندگان خود، مسلمان و غیر مسلمان، مؤمن و غیر مؤمن، عنایتی عام دارد. این عنایت به گونه‌ای است که اگر یک فرد بی‌دین در عمل متعارفی خود در سایر ماه‌ها، چندین گناه در روز مرتکب می‌شود، بدون توجه به این فرمایش پیامبر اسلام، در این ماه تمایل کمتری برای ارتکاب به گناه دارد. یک فرد بی‌دین و فاقد عاطفه و انگیزه برای کمک به فقرا و زیردستان و محبت به ضعیفان در سایر ماه‌ها، در این ماه به بعضی از کارهای خوب ارزشی تمایل پیدا می‌کند.

با این توجیه بخش‌های مختلف این خطبه‌ی شریف قابل تطبیق با یکدیگر است و تعارضی در آن به نظر نمی‌رسد. خدای متعال بندگان خود - اعم از مؤمن و غیر مؤمن - را به این مهمان‌سرا دعوت کرده است. ولی پس از ورود، کسانی که ایمان دارند بیشترین استفاده را از نعمت‌های این مهمان‌سرا می‌کنند، اما کسانی که ایمان ندارند با کارهای بیهوده سرگرم می‌شوند و این ساعات و لحظات و فرصت‌ها از دست می‌دهند. تمام این موارد در این خطبه‌ی شریف شاهد دارد.

#### فرصتی ویژه برای بهره‌مندی از آموزش الهی

در اواسط خطبه‌ی شریف آن بزرگوار می‌فرمایند: کسی که این ماه مبارک را پشت سر بگذارد، و در این ماه خود را پاکیزه از گناه نکرده و خود را مشمول آموزش حق تعالی قرار نداده باشد، تنها فرصت مجدد برای او آمرزیده شدن در روز عرفه و در عرفات است. یعنی در مورد بعضی از گناهان بزرگ، بعد از این ماه هر چه استغفار کند، این احتمال وجود دارد که مورد آمرزش حق تعالی واقع نشود. مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی از فقها و استاد اخلاق صد سال قبل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌فرماید: سرّ این که آن بزرگوار فرموده‌اند: شقیّ کسی است که این ماه بر او بگذرد و مورد آمرزش و رحمت واسعه‌ی حق تعالی قرار نگرفته باشد، این است که خدای متعال در قرآن خطاب به آن بزرگوار فرموده است که تو "رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ" هستی. معنای "رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ" هستی، این است که هیچ کس از نزد تو دست خالی بر نمی‌گردد. انسانی که مصداق منحصر به فرد رحمة للعالمین است، این خطبه را ایراد کرده، و این جمله را در خطبه قرار داده است که به همه‌ی انسان‌ها بگوید که اگر شما معتقد به خدای متعال و معتقد به این مهمانی هستید، به این فکر باشید که دست خالی از این ماه بیرون نروید، و پاکیزه و نورانی از این ماه خارج شوید.

نکته دیگر در بیان این خطبه این است که افرادی که معتقد هستند، با استفاده از این فرصت، یعنی از ورود به این ماه، نفس و وجود خود را اصلاح کنند؛ اگر آلودگی در آن وجود دارد با طلب آمرزش و مغفرت، آن را تطهیر و پاکیزه کنند؛ اگر نفس، آلوده‌ی به صفات رذیله مانند حسد، بخل، کینه، غرور و ریا است، آن‌ها را یک‌یک کنار بگذارند.

### عدم معرفت حق تعالی، عامل تکرار تخلف

اراده‌ی ضعیف بعضی از افراد در ترک گناه، ناشی از عدم معرفت و شناخت نسبت به خدای متعال است. اگر انسان نسبت به قدرت حق تعالی و قیامت او شناخت داشته و باور کرده باشد که در قیامت به حساب‌ها و اعمال رسیدگی می‌شود، دیگر به خود اجازه نمی‌دهد که توبه‌ی خود را بشکند و تخلف خود را تکرار کند. در آیات متعدد قرآن این نکته ذکر شده است. معرفت ضعیف، اراده را در این‌گونه از امور یعنی ترک گناه و انجام واجبات، ضعیف می‌کند. بر طبق روایات، شیطان انسان‌های ضعیف‌المعرفت که شناخت ایشان نسبت به خدای خودشان ضعیف است، را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به عنوان مثال از بیدار شدن برای نماز صبح قبل از طلوع آفتاب منصرف می‌کند.

سال‌ها قبل، هنگام تشریف به مشهد با اتوبوس از راننده درخواست کردم که قبل از طلوع خورشید در محلی که آب هست نگاه دارد، تا نماز بخوانیم. راننده هم پذیرفت و در محلی که مقداری آب ناشی از بارندگی جمع شده بود، توقف کرد. در آن زمان اتوبوس‌ها بخاری نداشت و مسافران با استفاده از پتو خود را از سرما حفظ می‌کردند. بعد از خواندن نماز و سوار شدن، از مسافران پرسیدم که چرا برای نماز پیاده نشدند. جواب آن‌ها این بود که هوا سرد است و فردا قضای نماز را می‌خوانیم. یک انسان مؤمن مسلمان در اثر ضعف شناخت نسبت به خدای خود این‌گونه در انجام وظایف سهل‌انگاری می‌کند. اگر شعور یک پدر ضعیف باشد، به دلیل تنبلی از بردن فرزند بیمار خود نزد پزشک خودداری می‌کند، اما یک پدر باشعور که به فرزند خود علاقمند است، با ملاحظه بیماری فرزند خود، فوراً برای درمان او اقدام می‌کند.

برای انسان ممکن نیست که معرفتی نسبت به حق تعالی پیدا کند که شایسته‌ی مقام ربوبیت او باشد. از معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین منقول است که "مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ"، ما شناختی که شایسته‌ی مقام ربوبیت تو باشد را نداریم، و "مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ"، و آن پرستشی که شایسته‌ی مقام ربوبیت تو باشد، را هم تاکنون نداشته‌ایم و بعد هم نمی‌توانیم داشته باشیم. اگر ما بخواهیم خدای خود را بهتر از قبل بشناسیم، باید اول از او طلب توفیق کنیم، و سپس به مناجات‌های معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین مانند مناجات‌های امام چهارم صلوات‌الله‌علیه، یا مناجات امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه یا ادعیه‌ای مانند دعای کمیل مراجعه کنیم. البته دعای کمیل بسیار ظرافت دارد، و شاید هر کسی قادر نباشد حتی با مراجعه به ترجمه‌ی دعا، آن را درک کند.

نیازی به مراجعه به افراد مختلف نیست. انسان باید این ادعیه را مکرر و با دقت مطالعه کند تا به درک مناسب برسد. نسبت به آیات کریمه‌ی قرآنی هم همین نکته صحیح است. اگر انس انسان با قرآن کریم و ترجمه‌ی آن زیاد باشد و عربی هم نداند، هر چه بیشتر مطالعه کند، بیش‌تر خدای متعال فهم این کتاب شریف را به او عطا می‌کند. هرچند انسان هرگز به عمق آن نمی‌رسد، ولی فهم او عمیق‌تر می‌شود.

خدای متعال به رحمت و وسع‌ی خود جسمیت و شخصیت داده و آن مقام رسالت است. به همین دلیل اگر کسی ایمان به حق تعالی داشته باشد، از ماه مبارک بی‌نصیب بیرون نمی‌رود. البته بعضی افراد فرصت‌ها را نمی‌شناسند و از خدای متعال در این ماه چیزهای کم‌ارزش می‌خواهند. اما بعضی دیگر از خدای متعال آن‌چه را که شایسته‌ی مقام ربوبیت او است، و غیر او نمی‌تواند به انسان عطا کند، درخواست می‌کنند.

### درخواست عاقبت خیر، بهترین دعا

حاج آقا شهاب اولین داماد امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه بود. ایشان به حاج آقا شهاب فرمود: اگر خدای متعال به تو بگوید که تو نزد من یک دعای مستجاب داری، از او چه می‌خواهی؟ مرحوم حاج آقا شهاب این سؤال را به سمت امام رحمت‌الله‌علیه

برگرداند. ایشان فرموده بود که من می‌گویم: "اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي خَيْرًا". این دعا در دعاهای معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین هم وجود دارد.

این دعا به عصمت معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین اشکالی وارد نمی‌کند. از امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه سؤال کردند: ما هنگام نماز، در خواندن سوره‌ی حمد به خدای متعال عرض می‌کنیم: «هُدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، چون یقین صددرصد نداریم که راه ما صحیح است و این احتمال وجود دارد که منحرف و عاقبت به شر شویم. اما شما که معصوم هستید، چه نیت می‌کنید؟ طبق روایت، ایشان فرموده است: من می‌دانم که عصمت مانع از ارتکاب خلاف و اشتباه است، اما این عصمت متعلق به ذات من نیست، و خدای متعال آن را به من عطا کرده است. اگر او اراده کند که این عصمت را از من بگیرد، من چه می‌شوم؟ یعنی از حق تعالی درخواست می‌کنم که من را در این شرایط نگه دارد.

هر چه معرفت بیشتر شود، برخورد با حق تعالی ظریف‌تر، دقیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود. نشانه‌ی این امر در مناجات‌های خمس‌ه‌عشر در صحیفه‌ی سجادیه وجود دارد. انسان عادی به هیچ وجه قدرت ندارد با خدای خود این‌گونه مناجات کند. این مناجات مربوط به کسی است که مقام عصمت داشته و سطح معرفت و شعور و شناخت او نسبت به خدای خودش بسیار بالاتر از انسان‌های عادی باشد. وضعیت ما در تصور این نکته مانند انسانی است که غیر از حوض منزل خود، فضای وسیع‌تر و پر از آب ندیده باشد و بخواهد اقیانوس را تصور کند. ما به اندازه‌ی شعور و درک خود از خدای متعال شناخت داریم. درک کسی که با ما فاصله‌ی زیاد دارد و بالاتر است، برای ما مقدور نیست. مناجات‌های امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه بیانگر آن است که شاید ایشان از خوف خدا یک قطره‌ی آب با آرامش نخورده‌اند.

از کمیل‌بن‌زیاد نقل کرده‌اند برای اولین بار دید امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه به سجده رفتند و با اشک و ناله دعایی را خواندند. هنگامی که حضرت سر از سجده برداشتند و نماز را تمام کردند، کمیل سوال کرد که این چه دعایی بود؟ حضرت فرمودند: وسیله‌ی نوشتن بیاور تا آن را به تو دیکته کنم و تو آن را بنویسی. نتیجه‌ی این نوشتن، دعای کمیل شد.

### اُنس با حق تعالی و فضای ویژه‌ی آن

این عالم، عالمی مخصوص به خود است. شعرا هم سعی کرده‌اند که این عالم ارتباط و اُنس با حق تعالی را، در شعرهای خود تصویر کنند، اما موفق نشده‌اند. در دنیا افرادی بوده‌اند که غیر از اُنس با حق تعالی هیچ اُنسی برای ایشان ارزش نداشته است. امام چهارم صلوات‌الله‌علیه مشغول نماز است، روایت‌ها مختلف است که طفلی در چاه افتاد یا لباس او آتش گرفت. طفل که در چاه آب افتاد، همسر حضرت مرتب ایشان را صدا زد که یا ابن رسول الله فرزندم در چاه افتاد. مادری که ایمان او ضعیف بود بعد از تمام شدن نماز حضرت به ایشان عرض کرد که آیا فریادهای من را نشنیدید؟ ((مَا أَقْسَى قُلُوبِكُمْ يَا بَنِي هَاشِمٍ))، ای بنی‌هاشم، چه قدر شما سنگ‌دل هستید.

حضرت بالای چاه تشریف آوردند و به آب چاه فرمودند: ای آب، فرزند من را بده. آب بالا آمد و طفل را در حالی که پای او هم خیس نشده بود تحویل مادر داد. مقام امام این است و باور کردن این مطلب بسیار مشکل است، مگر این که خدای متعال اراده کند و انسان به این باور نزدیک شود. حضرت با ملائمت به آن خانم فرمودند: "مَا أَضَعَفَ إِيمَانُكُمْ أَيُّهَا النَّسْوَةُ". چه قدر ایمان شما زن‌ها ضعیف است. معلوم می‌شود که همسر خود را نمی‌شناسی و از نزدیکی ایشان به خدای خود بی‌اطلاع هستی. هنگامی که آن حضرت اراده کنند، با ولایت تکوینی در آب چاه تصرف می‌کنند، خطاب به آب چاه می‌کنند که فرزند من را به من بده.

در مورد حضرت یوسف سلام‌الله‌علیه هم در تفسیر آمده است که وقتی برادرانش او را در چاه انداختند، خدای متعال به جبرئیل می‌گوید که او را روی آب بنشان. قافله می‌آید و حضرت را بالا می‌آورند، و می‌بینند که اثری از خیس شدن در ایشان وجود ندارد.

امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه فرمود که من از مرگ نمی‌ترسم و شوخی و مبالغه هم نکردم. مرحوم پدرم رضوان‌الله‌تعالی‌علیه اعتقادی خاص نسبت به سادات داشت. ایشان هنگام تشریف به مشهد، داخل حرم نمی‌رفت؛ در رواق می‌ایستاد تا سیدی

بیاید و به او می‌گفت: آقا، شما اجازه بدهید که من پشت سر شما بیایم تا به حضرت عرض کنم که این سید از اقوام شما است، لطفاً اجازه دهید که ایشان شفیع من باشد، تا من خدمت شما مشرف شوم. ایشان باور کرده بود که ارزش سید، یعنی کسی که یک ژن از مقام رسالت در بدن او وجود دارد، نزد حق تعالی بیش‌تر از خودش است. به مقام رسالت عرض کردند: در جنگ اخیر، نوک پیکان در پای مقدس امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه فرو رفته است و ما به دلیل درد شدید، قادر نیستیم تیر را خارج کنیم. طبق نقل حضرت فرمودند: هر وقت علی بن ابی‌طالب صلوات‌الله‌علیه وارد نماز شد، بروید و به راحتی تیر را از پای ایشان در بیاورید، و او هیچ متوجه نمی‌شود.

### علت عدم درک لذت عبادت و مناجات با حق تعالی

عبادت و مناجات با حق تعالی در ذائقه‌ی روح شیرین است و لذت دارد. علت عدم درک لذت نماز و دعا، آلوده بودن است. آلودگی دو قسم است: اول به گناه، دوم به صفات رذیله، از قبیل حسد، حرص، طمع، کینه، حب جاه و غرور. این عوامل روح را بسیار تاریک می‌کند و حساسیت آن را می‌گیرد؛ در نتیجه خواندن بهترین مناجات‌ها از معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین مانند روزنامه خواندن می‌شود و روح انسان را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد.

انسان باید از فونداسیون، یعنی از نفس و صفات نفسانی و آلودگی‌های نفس خود شروع، و کار را اصلاح کند. راه مقابله با حسد این است که انسان اعتقاد خود را اصلاح کند. یعنی اگر انسان از مشاهده‌ی امکانات زیاد دیگران یا از آبرومندی زیاد آن‌ها و یا از راحتی آن‌ها در زندگی، و بی نصیب بودن خود رنج می‌برد، باید به این باور برسد که تنها موجودی که مؤثر در سرنوشت و زندگی اوست است، خدای متعال است؛ باید او برای ما وسعت رزق و سلامتی بخواهد. اگر انسان به عنایت حق تعالی به این باور رسید که غیر از حق تعالی و اولیای او هیچ موجودی در سرنوشتش مؤثر نیست، بی‌دلیل به کسی احترام نمی‌گذارد و تملق نمی‌گوید و بی‌دلیل از کسی نمی‌ترسد. با وجود این باور در انسان است که فرد، مؤمن می‌شود.

### پذیرایی حق تعالی از مهمانان در ماه مبارک، با لطف و کرامت

یکی از جمله‌های این خطبه‌ی شریفه "دُعِيتُمْ فِيهِ اِلَى ضِيَافَةِ اللّٰهِ" است. پس از بیان خصوصیات این ماه که بهترین ماه‌ها است، و روزهایش بهترین روزها و شب‌هایش بهترین شب‌ها، و ساعات آن بهترین ساعات است، آن بزرگوار فرمودند که در این ماه شما در چنین مهمان‌سرایي وارد شده‌اید. صاحب مهمان‌سرا که ما او را میزبان می‌نامیم این‌گونه با لطف و کرامت از مهمانان خود پذیرایی می‌کند که "أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ"؛ در ماه مبارک رمضان خدای متعال به نفس کشیدن ما که بی‌اختیار انجام می‌شود ثواب تسبیح و ذکر می‌دهد. "تَوَمَّكُمُ فِيهِ عِبَادَةٌ"، این میزبان خواب طبیعی انسان را در این ماه عبادت محسوب می‌کند.

این‌که انسان دعا کند و از خدای متعال درخواست کند توفیق می‌خواهد. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِي يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ». افرادی که تمایلی برای دعا کردن ندارند، در واقع توسط حق تعالی به حال خود واگذاشته شده‌اند. طبق این آیه‌ی کریمه اگر حال دعا در یک فرد پیدا شود، خدای متعال از این انسان روی خود را برنگردانده است. در غیر این ماه اگر انسان روزی صد دعا می‌کرد، یقین نداشت که حتی یک دعا هم مستجاب شود. اما حق تعالی در این ماه دعاها را مستجاب می‌کند. البته اگر به نظر انسان رسید که دعای او مستجاب نشده است بدین معنا نیست که واقعا این دعا مستجاب نشده باشد؛ شاید این استجاب به صلاح انسان نبوده است. خدای متعال به جای این استجاب، در قیامت اجر برای انسان قرار می‌دهد. اگر درخواست یک انسان از خدای خود ثروت بوده و این دعا اجابت نشده است به این معنا نیست که خزانه‌ی حق تعالی خالی بوده، یا گوش او نشنیده، بلکه مصلحت این فرد در داشتن این مقدار ثروت نبوده است. ثروت دنیا ممکن است موجب فساد و انحراف و بی‌دینی شود. اما خدای متعال بیش‌تر از آن را در قیامت عطا می‌کند و در آن‌جا دیگر ثروت برای انسان فساد ندارد.